

تحلیل حقوقی جرم سرقت با تکیه بر نظام حقوقی افغانستان

فیض محمد فهمی^۱

چکیده

یکی از رفتارها و اعمال مجرمانه‌ای که آرامش روانی، نظم اقتصادی و درنهایت نظم عمومی یک جامعه را به مشکل روبرو می‌سازد، سرقت اموال است. تحقق این عمل بازتاب اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و امثال آن را در پی دارد. زیرا با این رفتار مجرمانه فضای عمومی و امنیتی یک جامعه آسیب‌دیده و افکار عامه مغشوش و بالاخره سبب واکنش جامعه در برابر این عمل می‌گردد. گاه‌آین واکنش از طریق رسانه‌ها به داخل و خارج یک کشور نیز منعکس می‌گردد که این انعکاس در رسانه‌ها، ثبات امنیتی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی آن کشور را از نظر همگان بی‌اساس و فاقد اعتبار جلوه داده و در نتیجه زمینه سوء بهره‌برداری در این زمینه‌ها را برای افراد استفاده فراهم می‌سازد. تحقیق حاضر با استفاده از روش تحقیق تحلیل - توصیفی با رویکرد تطبیقی جرم سرقت را در قانون جزای افغانستان سابق و کد جزای جدید افغانستان مورد بررسی قرار داده است. نتایج به دست آمده حکایت از آن دارد که رویکرد قانون‌گذار افغانستان نسبت به این جرم از حیث دامنه شمول و میزان شدت مجازات‌ها کاملاً تغییر یافته است.

واژه‌های کلیدی: سرقت، نظام حقوقی افغانستان، نظام اقتصادی، نظم عمومی.

۱. دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه فردوسی مشهد.

مقدمه

جرم سرقت از مهم‌ترین و طبیعی‌ترین جرم علیه اموال و دارای افراد است که پس از به پایان رسیدن دوران مالکیت اشتراکی جرم‌انگاری شده است. این جرم نسبت به سایر جرائم هم از نظر اصول و قواعد اخلاقی، هم از منظر احکام الهی و هم از نظر قوانین موضوعه، رفتار نادرست و مستحق مجازات شناخته شده است. مفهوم سرقت در حقوق قدیم با آنچه در حقوق امروزی به این عنوان شناخته می‌شود، متفاوت است. زیرا در قدیم مفهوم سرقت به معنای سلب مال غیر، استیلاي مرتکب بر مال مسروق یا منفعت آن، یا حيازت از آن یاد می‌شد. هرچند در کل سرقت اشیاء مساوی با سرقت در مفهوم حقوق امروزی است. پس از ظهور دین مبین اسلام در اوایل به دلیل آن‌که قدرت در اختیار پادشاهان و حاکمان قدیم بود مجازات‌های سخت و سنگینی علیه سارقان اجرا می‌شد و عفو برای آنان اعمال نمی‌شد. در حالی‌که در دین اسلام حد سارق قطع دست است و از احکام امضایی این دین محسوب می‌شود.

در قانون جزای ۱۳۵۵ و کد جزای ۱۳۹۶ افغانستان نیز سرقت از جمله جرائم به حساب آمده و ارتکاب آن موجب مجازات می‌شود. این قوانین سرقت را به دو نوع ساده و مشدد تقسیم نموده و برای آن مجازات متفاوتی در نظر گرفته است که بیانگر تشدید مجازات است. در این قانون چیزی بنام در حکم سرقت نیز در نظر گرفته شده است. مانند استفاده غیرقانونی از گاز، برق، تلفن و... که در قوانین بین‌المللی از آن بنام (احاله) یاد می‌شود.

۱. تعریف سرقت

جرم سرقت از جمله جرائم مهم و قابل توجهی است که بیشتر مرتکبین این عمل در جوامع مختلف بشری نسبت به سایر جرائم، قابل مشاهده است. و عملی است که تقریباً در کلیه جوامع از گذشته‌های دور تا حال به اشکال گوناگون انجام شده است. این جرم که با سابقه‌ترین جرم پس از جرم قتل می‌باشد، تحولات و تغییرات زیادی



در انجام آن با توجه به زمان و مکان‌های مختلف رخ داده است. اما چیزی که از ابتدای ارتکاب این عمل تا حال ثابت بوده، زشتی و قباحیت ماهیت این فعل ناپسند است که همچنان عمل مذموم و ناشایست بوده و با مرتکبین آن مقابله و مجازات بالای آن‌ها اعمال گردیده است.

در مورد تعریف این جرم باید گفت که هرچند حقوق‌دانان هرکدام تعاریفی را برای این نوع جرم ارائه نموده‌اند اما در حقوق جزای اختصاصی که مهارت شناسایی جرم را بیان می‌کند، یک قاعده کلی وجود دارد و آن قاعده این است که قانونگذار معمولاً جرم را تعریف نمی‌کند بلکه آن را توصیف می‌کند که تعریف از خود توصیف استخراج می‌شود. بعبارت دیگر تعریف مستقل از توصیف وجود ندارد. اما امکان این که تعریف از توصیف استخراج شود وجود دارد.

مبنای این قاعده کلی ممکن است دلایل متعددی باشد از جمله:

۱. عدم ارتباط تعریف با شرایط توصیف: یعنی تعریف نمی‌تواند شرایط توصیف را بیان کند. زیرا تعریف در دادگاه جایگاه نداشته و دادگاه‌ها مکلف‌اند به جای دقت در تعریف و شرایط آن به شرایط توصیف توجه کنند. زیرا هرگاه شرایط موجود نبود، نمی‌توان آن را جرم تلقی کرده و برای آن مجازات تعیین نمود.
۲. عدم مطابقت تعریف با زمان و مکان: اگر مقید به تعریف شویم مرور زمان آن را کهنه می‌کند و تعریفی که با همه زمان‌ها تطابق نداشته باشد، امکان پذیر نیست. بناءً نمی‌توان از تعریف برای شناسایی جرم استفاده کرد. از طرف دیگر بعضی از تعریف‌های جرم ممکن است از صلاحیت قانونگذار نباشد بلکه یک مرجع با صلاحیت دیگر باید در آن جا اظهار نظر نماید. بطور مثال در مورد قتل یا مرگ مرموز، یک طبیب می‌تواند در آن جا اظهار نظر نماید. با این حال حقوق‌دان نمی‌تواند در همه حالات در مورد وقوع جرم اظهار نظر نماید چون از صلاحیت‌اش نیست.
۳. ارتباط با ملاحظات فنی: گاهی شناسایی جرم نیازمند ملاحظات فنی است که لازم است شخص آگاه در همان زمینه توضیحات لازم را ارائه نماید و قانونگذار نمی‌تواند در آن جا اظهار نظر کند.

گاهی هم این امکان وجود دارد که در مواردی قانون‌گذار از این قاعده عدول و صرف نظر کرده بر خلاف آن عمل کند، آن هم به دلایل ذیل:

۱. استفاده از قانون دیگر: ممکن است قانون‌گذار مواردی را مستقیماً از قوانین دیگر بگیرد که در این صورت از این قاعده کلی منصرف می‌شود و نیاز به تعریف مستقل از توصیف و مربوط خود همان قانون پیدا می‌کنند.

۲. سیاست کیفری: به این معنی که سیاست قانون‌گذار در مواردی در کنار آوردن توصیف، تعریف کردن است. زیرا قاضی در بعضی کشورها هم‌سو با شهروندان نیستند و ممکن است شیطنت کرده بجای نفع جامعه، نفع خود را در نظر بگیرد. بناءً چون ممکن است تعریف ربطی در توصیف نداشته باشد لذا مورد پذیرش قرار می‌گیرد.

۳. الزامات: یعنی اینکه در بعضی موارد قانون‌گذار ملزم است که از قاعده کلی عدول نموده و جداگانه اظهار نظر نماید. این الزام ممکن است شرعی باشد یا قانونی. بطور مثال در ماده ۳۳۵ کد جزای ۹۶ افغانستان در مورد ارتکاب جرائم ضد بشری این گونه بیان می‌دارد: «ارتکاب یکی از اعمال ذیل مشروط بر اینکه عمداً و آگاهانه... علیه یک گروه غیر نظامی باشد، جرم ضد بشری شناخته می‌شود: قتل، نابودسازی، به بردگی گرفتن، تجاوز جنسی، شکنجه و...» که در تعریف جرم قتل، تجاوز جنسی و شکنجه عمدی علاوه بر نظر فقیه نظر دکتر روانی نیز نیاز است.

با توجه به قاعده کلی و مبانی آن و این که در بعضی موارد امکان عدول از آن وجود دارد، باید یادآور شد که قانون جزای ۱۳۵۵ افغانستان در بند ۲ ماده ۴۵۴ در مورد جرم سرقت این گونه بیان می‌دارد: «به مقصد این قانون شخصی که مال منقول و متقوم ملکیت غیر را طور خفیه بگیرد سارق شمرده می‌شود». گذشت زمان بر این عمل قبیح همانند سایر اعمال، تأثیر گذاشته و تغییر و تحولاتی را در آن رونما نموده است. نحوه انجام این جرم، وسائل و ابزار مورد استفاده در آن، نوعیت اموال و اشیای که سرقت می‌شود و هم‌چنان وضعیت سارقان تغییر نموده است. امروزه در خیلی موارد سرقت با برنامه‌ریزی دقیق و با استفاده از ابزار و امکانات حرفه‌ای و پیشرفته



انجام می‌شود و سارقین از آخرین تکنولوژی موجود در جهت سود خودشان استفاده می‌کنند. هم‌چنانکه گاهی سرقت علنی صورت می‌گیرد که با توجه به چنین شرایط، کد جزای ۱۳۹۶ افغانستان ضمن برداشتن شرط خفیه، قید عدم رضایت مالک و قصد تملک را اضافه نموده این جرم را این‌گونه تعریف نموده است: «سرقت عبارت است از گرفتن مال منقول ملکیت غیر، بدون رضایت به قصد تملک». بهر صورت طبق هردو تعریف موضوع رفتار مجرمانه جرم سرقت مال است و کلمات منقول، متقوم، ملکیت غیر و ... وصف یا خصوصیت موضوع قرار می‌گیرند. مفهوم مال از نظر قانون چیزی است که دارای ارزش باشد. در نتیجه شروع و هسته موضوع جرم سرقت مال دارای ارزش است. هرچند که از نظر فقهی می‌توان قید مشروع بودن را نیز اضافه نمود.

بناءً نقدی که می‌شود وارد نمود این است که مال را باید به اعتبار بازار همراه با حمایت از متصرفات افراد ارزش گذاری نمود. در حالی که طبق این تعریف مال چیزی است که در بازار ارزش داشته باشد. اما در مورد متصرفات افراد حمایت کیفری وجود ندارد. در پاسخ به این نقد راه حلی که می‌شود در نظر گرفت این است که بجای واژه مال از واژه شیء استفاده شود تا ضمن ارزش داشتن در بازار، افراد در متصرفات خود نیز آسوده خاطر باشند. هرچند تا جایی که قید بدون رضایت در کد جزا، این مشکل را به‌گونه‌ای حل نموده است.

مال در تعریف کد جزا، علاوه بر داشتن وصف (ملکیت غیر) که بیانگر مال دیگری بودن و عدم تعلق آن به سارق است، دارای وصف دیگری نیز هست که عبارت است از (منقول بودن) که وصف منقول بودن بیانگر عدم تحقق جرم سرقت در مورد اموال غیر منقول است. زیرا جرم سرقت در مورد اموال غیر منقول صدق نکرده بلکه تحت عنوان غصب شامل می‌شود. آن‌چه قابل توجه و دقت است وصف (متقوم بودن) مال است که در قانون جزای قدیم مطرح شده بود. از ظاهر این کلمه چنین به‌دست می‌آید که مال مسروقه باید در بازار و معاملات تجاری دارای قیمت بوده و ارزش داشته باشد. در حالی که ممکن است مالی در بازار ارزشی نداشته باشد



ولی در نزد صاحبش با ارزش‌ترین شیء باشد. بنابراین بهتر بود قانون‌گذار قید (عدم رضایت) را در تعریف سرقت نیز اضافه می‌کرد تا با وجود این قید در کنار اوصاف دیگر برای مال، جرم سرقت توصیف و مجازات برای آن اعمال می‌شد. که این امر در کد جزای ۱۳۹۶ با آوردن قید بدون رضایت در تعریف جرم سرقت حل گردیده است.

۲. مبانی جرم‌انگاری سرقت

بصورت کلی باید یادآور شد که جرم مفهومی است که قانونگذار برای شناسایی آن ملاک و معیارهای را در نظر می‌گیرد که عموماً با فلسفه و دلایل مجازات هماهنگ است. این ملاک‌ها شامل اصول دینی، اخلاقی، اجتماعی و مصلحت و نظم اجتماعی است. زیرا گاهی حفظ اصول اخلاقی، گاه تضمین اصول دینی و گاهی حمایت از نظام اجتماعی، مصالح و نظم عمومی برای جعل عناوین مجرمانه مورد ملاحظه و توجه قرار می‌گیرد. در بعضی موارد برای جرم‌انگاری یک عنوان، ممکن است همه ملاک‌های مذکور مورد توجه قرار گیرد. چنانکه در مورد جرم سرقت چنین است؛ زیرا هم از نظر ملاک‌های اخلاقی و احکام دینی و هم به لحاظ ضرورت حفظ نظام اجتماعی و نظم و امنیت عمومی، تعرض به مال دیگران جرم شناخته می‌شود. به دلیل آن که سرقت از نظر اخلاقی، یک عمل مذموم و ناشایست، از نظر شرعی، گناه و از نظر اجتماعی، اقدامی در جهت ایجاد اختلال در نظام اجتماعی و اقتصادی و در نتیجه ایجاد تنش در روابط انسان‌ها به حساب می‌آید.

بنابراین در همه حوزه‌های دینی، اخلاقی و اجتماعی سرقت اقدامی ناروا و مذموم و در نتیجه ممنوع شناخته شده است که علاوه بر حکم تکلیفی - حرمت شرعی و نهی اجتماعی - دارای حکم وضعی نیز هست و سارق مکلف به برگرداندن مال مسروقه به صاحب آن می‌گردد (حبیب‌زاده، ۱۳۹۴/۴۵). قانون جزای ۱۳۵۵ در ماده ۴۶۳ در این مورد بیان می‌دارد: «در تمام احوال محکمه سارق را علاوه بر جزای پیش‌بینی شده به رد مال مسروقه و یا قیمت آن محکوم می‌نماید». سوالی که در این جا به وجود



می‌آید این است که اگر خود مال در نزد سارق موجود نباشد قیمت کدام روز مد نظر قانون‌گذار است تا سارق آن قیمت را به صاحب مال برگرداند؟ قیمت روزی که سرقت صورت گرفته یا قیمت روزی که آن را به صاحب مال بر می‌گرداند؟ پاسخ این سؤال در کد جزای ۱۳۹۶ ماده ۷۱۰ چنین روشن گردیده است: «در تمام حالات مربوط به سرقت محکمه سارق را علاوه بر جزای پیش بینی شده به رد مال مسروقه، مثل یا قیمت آن به نرخ روز نیز محکوم می‌نماید». منظور از نرخ روز، روز محاسبه و پرداخت است که توسط محکمه و یا اهل خبره مشخص می‌گردد.

به هر صورت ضرورت احترام گذاشتن به اموال دیگران هم از نظر اخلاقی، اجتماعی و هم به لحاظ موازین دینی، ایجاب می‌کند که هر نوع تعرض و تصرف غیر مجاز به آن‌ها جرم شناخته شود. جرم سرقت علاوه بر آن که سبب وارد نمودن ضرر به صاحب مال است، عامل ترغیب افراد دیگر به تعرض در اموال دیگران و در نتیجه ایجاد بی‌نظمی در نظام اجتماعی می‌شود. بنابراین این عمل با حقوق عامه مردم و امنیت و نظم اجتماعی در ارتباط است و با جرم پنداشتن آن در جهت برقراری نظم عمومی و مراعات نمودن مصلحت‌های افراد ملازمه منطقی دارد.

۳. ارکان جرم سرقت

هر جرمی دارای ارکان عمومی و عناصر اختصاصی است که در کمیت و کیفیت آن‌ها اختلاف نظر وجود دارد. این اختلاف نظرها نتیجه تعبیرهای مختلفی است که حقوق‌دانان برای تحقق جرم به کار می‌گیرند. اگر جرم را صرفاً پدیده مادی بدانیم و فقط به نمود خارجی آن توجه کنیم، برای تحقق آن، رکن مادی و نفس رفتار ارتكابی، صرف نظر از قصد مرتکب و اعلام نظر قانونگذار در مورد جرم‌انگاری و کیفرگذاری، کافی است؛ اما می‌دانیم پدیده‌های حقوقی از جمله جرم، امور واقعی و مادی نبوده امور اعتباری هستند که برای تحقق آن‌ها با توجه به اعتبارات متفاوتی که در نظر گرفته می‌شود، ارکان و عناصر مختلفی لازم است.

۱-۳. رکن قانونی

جرم همانند باقی حوادث و وقایع حقوقی، یک امر اعتباری است که ذات آن بر اساس دستوری که در قانون پیش بینی شده پایه‌گذاری می‌شود تا برابری و هم‌چنان تناسب بین جرم و مجازات برقرار باشد. سرقت که یکی از جرائم است مورد توجه قانونگذاران قرار گرفته و مجازاتی را برای مرتکبین این عمل در نظر گرفته‌اند. در کشورهای اسلامی که قوانین و مقررات اسلامی حاکم است در تحلیل رکن قانونی هر جرمی اول‌تر از همه موازین اسلامی که محکم‌ترین ملاک و منبع آن کتاب، سنت، اجماع و عقل است. در افغانستان قانون جزای ۱۳۵۵ این کشور در مواد مختلف مجازات متنوعی را برای سارقان نسبت به شرایط و نحوه سرقت، شرایط سارقان و شرایط مال مسروقه در نظر گرفته است. طبق این قانون سرقت به دو نوع ساده و مشدد تقسیم می‌شود که در سرقت ساده، کم‌ترین مجازاتی که در قانون برای سرقت در نظر گرفته شده اعمال می‌شود. ماده ۴۶۰ این قانون بیان می‌دارد: «هرگاه در جرم سرقت هیچ یکی از احوال مشدده موجود نگردد یا قیمت مال مسروقه ناچیز باشد مرتکب حسب احوال به حبس قصیری که از سه ماه کمتر یا به حبس متوسطی که از دو سال بیشتر نباشد محکوم می‌گردد». ولی در ماده ۷۰۹ کد جزای ۱۳۹۶ ناچیز بودن قیمت مال مسروقه را مقید نموده به این که کمتر از پنج هزار افغانی باشد و در مورد مجازات این نوع سرقت در کنار حبس قصیر گزینه دیگری که جزای نقدی از ده هزار تا شصت هزار افغانی باشد نیز اضافه نموده است. برای سرقت مشدد بالاتر از این احکام تا هر اندازه که قانون طبق عوامل تشدید کننده مجازات، تعیین نموده باشد، اجراء می‌گردد.

در قوانین جزایی کشور افغانستان انجام برخی از کارها سرقت به حساب نیامده بلکه ارتکاب آن‌ها را در حکم سرقت می‌دانند. در ماده ۵۱۸ قانون جزای ۱۳۵۵ بیان می‌دارد: «شخصی که عمداً برق، گاز، آب، پیداوار معادن و یا اشجار جنگلات را بدون استیذان مقامات صلاحیتدار تصاحب یا تصرف مالکانه نماید این عمل وی در حکم سرقت بوده مرتکب علاوه بر رد مال یا قیمت مثل آن به حبسی که از دو سال



بیشتر نباشد یا جزای نقدی که از بیست و چهار هزار افغانی تجاوز نکند محکوم می‌گردد». اصطلاحی که در این ماده قانونی بکار گرفته شده واژه پیداوار است که مراد از آن آشکارا و علنی بودن گوشه‌های معادن است. اما در ۷۰۱ کد جزای ۱۳۹۶ دایره در حکم سرقت را وسعت داده و عنوانی را تحت نام جرائم در حکم سرقت ذکر و ذیل این عنوان این‌گونه بیان می‌دارد: «شخصی که اموال عامه یا اموالی که به مقصد استفاده عامه اختصاص داده شده است یا اموال متعلق به عبادت‌گاه‌ها یا آثار تاریخی یا وسایل تأسیسات برق، گاز، آب یا واسطه نقلیه را به شکل غیر مجاز اخذ نماید، به حبس متوسط محکوم می‌گردد. شخصی که برق، گاز یا آب را به شکل غیر مجاز اخذ نماید عمل وی در حکم سرقت بوده، مرتکب به حبس قصیر محکوم می‌گردد». مدت حبس متوسط از نظر حد اقلی و حد اکثری طبق هردو قانون یکی است که از یک سال کمتر و از پنج سال بیشتر نباشد (ماده ۱۰۱ قانون جزای ۱۳۵۵ و ماده ۱۴۷ کد جزای ۱۳۹۶). اما در حبس قصیر حکم قانون جزا و کد جزا فرق می‌کند که حد اقل این حبس از نظر قانون جزای ۱۳۵۵ ۲۴ ساعت (ماده ۱۰۲) ولی از نظر کد جزا ۳ ماه می‌باشد (ماده ۱۴۷). ولی حد اکثر این حبس از نظر هردو قانون یکی است.

۲-۳. رکن مادی

رکن مادی از جمله پیچیده‌ترین و اساسی‌ترین ارکان تشکیل‌دهنده جرم است که در جرم سرقت رفتار مجرمانه بارزترین رکن مادی جرم سرقت علیه اموال و مالکیت افراد است که برای جرم‌انگاری و تعیین عنوان مجرمانه برای آن باید شاخص‌های ذیل را در نظر گرفت. در جرم سرقت عنصر مادی (رفتار مجرمانه) آن، شروع و اقدام به سرقت نمودن و تعرض به مال دیگران است که برای جرم‌انگاری و اعمال مجازات کافی است برای این عمل اقدامی صورت گرفته باشد.

در صورتی که رفتار مجرمانه به عنوان یک عمل مجرمانه بصورت کامل با تمام شرایط اش انجام شده باشد، بالاترین نوع مجازات بالای مرتکبین آن اعمال می‌شود. قانون جزای ۱۳۵۵ در ماده ۴۵۵ بیان می‌دارد: «شخصی که با اجتماع شرایط چارگانه آتی مرتکب سرقت گردد به حبس دوام محکوم می‌گردد: سرقت بین غروب و طلوع

آفتاب؛ سرقت از جانب دو شخص و یا بیشتر از آن؛ سرقت با حمل اسلحه ظاهری یا پنهان سارقین یا یکی از آنها؛ سرقت با داخل شدن به محل مسکونی یا محلی که برای سکونت آماده شده و یا بیکی از ملحقات آن بوسیله بالا شدن به دیوار، سوراخ کردن آن، شکستادن دروازه و امثال آن و یا با استعمال کلیدهای ساخته شده یا لباس عسکری، پولیس، یا لباس سایر موظفین خدمات عامه یا به وسیله امر تزویر شده به ادعای اینکه از مقامات با صلاحیت دولت صادر شده یا به وسیله سازش با یکی از ساکنین محل و یا به استعمال هر نوع حيله که باشد صورت گرفته باشد».

اما ماده ۷۰۲ کد جزای ۱۳۹۶ در این مورد ضمن این که استفاده از لباس نظامی یا لباس سایر موظفین خدمات و... را مستقلاً مطرح نموده، دایره حالات مشدده را گسترش داده، سرقت توسط کارگر به قصد وارد نمودن ضرر به کارفرما را نیز شامل حالات مشدده جرم سرقت نموده است. ولی مجازات آن را خلاف حکم قانون جزای ۱۳۵۵ بیان داشته و مرتکب این عمل را در چنین شرایط به حبس طویل محکوم نموده است. در آخر این ماده اضافه نموده است که هرگاه مرتکب در اثر ارتکاب جرم سرقت طبق این شرایط، جرم دیگری ارتکاب یابد، مرتکب به حداکثر مجازات جرمی محکوم می‌گردد که مجازات آن شدید باشد.

دومین جزء رکن مادی جرم سرقت نتیجه رفتار مجرمانه است. توضیح اینکه به صورت کل جرم یا مطلق است یا مقید؛ جرم مطلق جرمی است که به محض اتفاق افتادن رفتار مجرمانه، آن عمل جرم تلقی شده و با عامل یا عاملین آن برخورد قانونی صورت می‌گیرد. اما در جرم مقید پس از وقوع رفتار مجرمانه باید انتظار نتیجه را داشت که این شاخص و الگوی عنصر مادی جرم، بیانگر جرم مقید است زیرا از رفتار مجرمانه نتیجه و منظور قانون‌گذار (نتیجه رفتار مجرمانه) حاصل می‌شود، در این صورت برای تعیین عنوان مجرمانه لازم نیست که رفتار مجرمانه را در عنوان بنویسیم، بلکه کافی است نتیجه مجرمانه را در عنوان ذکر کرد، مگر این که رفتار بخصوصی صورت گیرد و از آن رفتار، نتیجه مجرمانه به دست بیاید، در آن حال رفتار مجرمانه خصوصیت خاص خودش را دارد. مانند سم دادن منتهی به قتل، چون اگر



رفتار مجرمانه نتیجه مجرمانه را به وجود نیاورد عنوان مجرمانه صدق نمی کند. بطور مثال در سم دادن منتهی به قتل که علاوه بر نتیجه مجرمانه، رفتار مجرمانه را نیز می توان در عنوان ذکر کرد.

اما در مورد جرم سرقت باید گفت قوانین جزایی افغانستان آن را جزء جرائم مطلق به حساب آورده است که به صرف وقوع عمل یا رفتار مجرمانه، جرم واقع شده و با مرتکب یا مرتکبین آن برخورد قانونی صورت می گیرد. چنانچه ماده ۱۵۳ قانون جزای ۱۳۵۵ جرم سرقت را مماثل جرایمی مانند حيله و فریب و امثال آن قرار داده و بیان می دارد: جرائم ذیل مماثل شناخته می شوند: «اختلاس، سرقت، حيله و فریب، تهدید، خیانت در امانت، غصب اموال و اسناد و اخفای اشیائی که ازین جرائم بدست آمده و یا حیازت اشیای مذکور بصورت غیر مشروع».

جرایمی که در این ماده ذکر گردیده و سرقت نیز جزء آنها هستند، از جمله جرائم مطلق بوده که با ارتکاب آنها جرم محقق شده، حصول نتیجه رفتار مجرمانه مفروغ عنه دانسته شده و برای مرتکبین آن نسبت به درجات و اوصاف رفتار مجرمانه مجازات در نظر گرفته شده است.

سومین جزء رکن مادی جرم سرقت مرتکب یا فاعل جرم است. هرچند بصورت یک قاعده کلی در ارتکاب یک عمل مجرمانه به فاعل آن عمل توجهی صورت نمی گیرد. زیرا هدف قانونگذار عدم تحقق فعل مجرمانه است که طبق این مبنا وجود مرتکب شرط اساسی برای تحقق جرم نیست اما در برخی موارد بصورت استثناء وجود مرتکب رفتار مجرمانه از نظر قانونگذار شرط تحقق جرم است. به این معنی که رفتار مجرمانه توسط افراد معین انجام شود. مانند قتل فرزند توسط پدر یا کلاهبرداری توسط کارمند دولت. که در چنین جرایمی ذکر نام مرتکب نیز در عنوان مجرمانه شرط است. در مورد مرتکب رفتار مجرمانه در جرم سرقت طبق قوانین جزای افغانستان باید گفت که همه مرتکبین این رفتار مجرمانه موجب پی گرد قانونی هستند و مجازات خواهند شد. اما در بندهای ۶، ۷ و ۸ ماده ۴۵۹ قانون جزای ۱۳۵۵ برای افراد مشخصی که مرتکب جرم سرقت می شوند، این گونه مجازات در

نظر گرفته و بیان می‌دارد: «اشخاص آتی به حبس متوسط که از سه سال کمتر نباشد محکوم می‌گردند: ... شخصی که مستخدم یا اجیر بوده به منظور ضرر رساندن به مخدوم سرقت نماید. یا شخصی که کارگر فابریکه بوده و به منظور ضرر رساندن به صاحب منفعت آن سرقت نماید. و یا شخصی که حمال راننده یکی از وسایط حمل و نقل و بارکش و یا به هر نحوی از انحاء مکلف به حمل و نقل مال باشد از آن سرقت نماید».

در بندهای ۲ و ۳ ماده ۲۸۰ این قانون آمده است: «سارق یا تلف کننده و پنهان کننده اشیایی مانند اوراق، اسناد و یا دوسیه های متعلق به دولت یا اوراق دعوی قضائی به حبس متوسط محکوم می‌گردد. و اگر فاعل این اعمال محافظ آن اشیا باشد، به حبس طولی که از ده سال بیشتر نباشد محکوم می‌گردد». بند ۶ ماده ۷۰۲ کد جزای ۱۳۹۶ نیز در خصوص کارگری که به قصد وارد نمودن ضرر به کارفرما مرتکب جرم سرقت شود، مجازات حبس طولی را پیش بینی نموده است. با توجه به مطالب فوق به این نتیجه می‌رسیم که در بعضی موارد خود مرتکب در وقوع یک عمل یا رفتار مجرمانه و جرم‌انگاری آن و هم‌چنان تعیین مجازات برای آن جرم نقش دارد.

چهارمین جزء رکن مادی جرم سرقت، قربانی یا بزه دیده جرم است. در این خصوص باید گفت همان قاعده کلی و استثنای آن که در مورد مرتکب رفتار مجرمانه بیان شد، نسبت به قربانی رفتار مجرمانه نیز صدق می‌کند که گاهی قربانی رفتار مجرمانه نیز شرط تحقق جرم است. مانند توهین به افراد خاصی مثل اهانت به معصومین، رئیس جمهور و... که در این صورت نیز باید قربانی رفتار مجرمانه در عنوان مجرمانه ذکر شود. اما قربانی رفتار مجرمانه در جرم سرقت، همه افرادی است که مال آن‌ها از ملکیت‌شان خارج گردیده و متضرر می‌شوند. در این گونه موارد جای شکی نیست که شخص سارق علاوه بر رد مال مجازات نیز می‌گردد. اما در موردی که قربانی رفتار مجرمانه شخص حقیقی نبوده بلکه نهاد دولتی یا شخص حقوقی باشد، قانون جزای ۱۳۵۵ در ماده ۲۸۰ بیان می‌دارد: «هرگاه به اثر اهمال موظف خدمات عامه که به حفاظت اوراق، اسناد و یا دوسیه‌های متعلق به دولت یا



اوراق دعوی قضائی مکلف باشد، اوراق مذکور سرقت گردد و یا پنهان یا تلف شود، شخص موظف به حبس قصیری که از سه ماه کمتر نباشد یا جزای نقدی که از دوازده هزار افغانی تجاوز نکند محکوم می گردد». اما کد جزای ۱۳۹۶ در ماده ۴۵۸ برای مجازات چنین شخصی حبس را برداشته و صرف جزای نقدی از سی هزار تا شصت هزار تعیین نموده است.

با توجه به مطالب فوق، فرمول کلی عنصر مادی جرم سرقت را می توان این طور بیان نمود: عنوان مجرمانه مساوی است (رفتار مجرمانه + نتیجه + مرتکب + قربانی) گاهی بعضی از این شاخص ها و الگوها می توانند در عنوان مجرمانه وجود نداشته باشند، بلکه یکی یا دو تای آن ها در کنارهم عنوان مجرمانه را می سازد مانند: (رفتار + قربانی).

۳-۳. رکن روانی

در ارتباط به تعریف رکن روانی توافق دیدگاه موجود نیست. به صورت خلاصه باید گفت رفتار کسی وصف عنوان مجرمانه را به خود می گیرد که دارای علم و اراده باشد، در غیر آن اگر شخص در انجام عملش عالم و قاصد نباشد، عمل او دارای رکن روانی نیست. زیرا برای واقع شدن جرم، ضمن وقوع عینی و بیرونی رفتار مجرمانه مورد توجه قانونگذار، ضروری است که آن رفتار مجرمانه با علم و آگاهی و تصمیم شخص مرتکب همراه باشد. جرم همانند باقی پدیده ها و وقایع حقوقی، یک امر فرضی است که در عالم خارج مورد تأیید است و منشاء تصدیق آن قانونگذار است که بدون تأیید او جرمی محقق نمی شود. اصولاً قانونگذار است که برای رفتار مجرمانه عمدی مجازات در نظر می گیرد. و بصورت استثنایی موارد مشخصی رفتار غیر عمدی افراد را جرم انگاری می کند. اما در عالم خارج و واقع، ثابت نمودن عمدی بودن عمل مجرمانه وظیفه شخص شاکی و یا مدعی العموم است. در این جا می توان از یک اصل کار گرفت و آن این که اصولاً در جرائم عنصر روانی، عمدی است. مگر این که انگیزه شرط جرم باشد. که در این صورت باید آن را نوشت زیرا در کل وقتی نگاه کنیم جرائم یا عمدی است یا غیر عمدی. در جرم سرقت نیز قضیه

چنین است که قوانین جزای افغانستان رکن روانی را در آن قدر مسلم دانسته است. زیرا شخص با علم و اراده خود دست به سرقت زده مال دیگری را از اختیار و ملکیت او خارج می‌سازد. چنانکه قبلاً ذکر گردید، اگر شخص اموال عمومی را عمداً تحت تصرف خود قرار دهد و از آن استفاده نماید، قانون این عمل او را سرقت ندانسته بلکه در حکم سرقت قرار داده است.

۴. انواع سرقت

افغانستان یک کشور اسلامی بوده که قوانین آن بر مبنای شریعت اسلام استوار است. قانون جزای این کشور نیز از این امر استثناء نبوده، بر اساس فقه اهل سنت تهیه و تنظیم گردیده است. طبق دستورات این قانون جرم سرقت به دو نوع سرقت حدی و تعزیری تقسیم می‌شود. سرقت تعزیری نیز به نوبه خود به ساده و مشدد تقسیم شده است که در سرقت ساده پائین‌ترین نوع مجازات، علیه مرتکبین عمل مجرمانه اجرا می‌گردد. در سرقت مشدد، جرم براساس عوامل متعددی مانند نوع مال مسروقه، عمل مسلحانه و خشونت آمیز و هم‌چنان به اعتبار سایر شرایط و کیفیات مشدد، جرم حالت تشدید را بخود گرفته و مجازات آن نیز تشدید می‌گردد. در این قانون چیزی بنام در حکم سرقت نیز در نظر گرفته شده است. مانند استفاده غیرقانونی از گاز، برق، تلفن و... که در قوانین بین‌المللی از آن بنام (احاله) یاد می‌شود.

۴-۱. سرقت ساده

سرقت ساده سرقتی است که کم‌ترین مجازات را به دنبال دارد. این نوع سرقت، آشکارا و بدون کلیه شرایط اضافی است که برای سرقت‌های مشدد پیش بینی شده است، با ربودن مال دیگری بدون رضایت صاحب مال، محقق می‌گردد. قانون جزای ۱۳۵۵ در مورد این نوع سرقت در ماده ۴۶۰ بیان می‌دارد که: «هرگاه در جرم سرقت هیچ یکی از احوال مشدده موجود نگردد یا قیمت مال مسروقه ناچیز باشد مرتکب حسب احوال به حبس قصیری که از سه ماه کمتر یا به حبس متوسطی که از دو سال بیشتر نباشد محکوم می‌گردد». اما کد جزای ۱۳۹۶ در ماده ۷۰۹ مجازات این نوع سرقت



را حبس قصیر و جزای نقدی از ده هزار تا شصت هزار تعیین نموده است.

۲-۴. سرقت مشدد

همان طوری که قبلاً نیز بیان گردید عوامل متعددی سبب می شود که رفتار مجرمانه از حالت عادی به حالت مشدد تبدیل و مجازات سنگین تری را در پی داشته باشد. مانند رفتار مجرمانه مسلحانه یا نوع مال مسروقه و یا عمل خشونت آمیز و هم چنان به اعتبار سارق و سایر شرایط و کیفیات مشدد که جرم حالت تشدید را بخود گرفته و مجازات آن نیز سنگین می شود. گاهی هم می شود که همه این شرایط مشدده جرم در یک عمل مجرمانه اتفاق بیافتد. بر اساس قانون جزای ۱۳۵۵ در ماده ۴۵۵، حالات و شرایط تشدید مجازات برای سرقت مشدد قرار ذیل مطرح شده و مجازات حبس دوام را برای آن در نظر گرفته است: «شخصی که با اجتماع شرایط چارگانه آتی مرتکب سرقت گردد به حبس دوام محکوم می گردد: ۱- سرقت بین غروب و طلوع آفتاب؛ ۲- سرقت از جانب دو شخص و یا بیشتر از آن؛ ۳- سرقت با حمل اسلحه ظاهری یا پنهان سارقین یا یکی از آنها؛ ۴- سرقت با داخل شدن به محل مسکون یا محلی که برای سکونت آماده شده و یا به یکی از ملحقات آن بوسیله بالا شدن به دیوار، سوراخ کردن آن، شکستادن دروازه و امثال آن و یا با استعمال کلیدهای ساخته شده یا لباس عسکری، پولیس، یا لباس سایر موظفین خدمات عامه یا به وسیله امر تزویر شده به ادعای اینکه از مقامات باصلاحیت دولت صادر شده یا به وسیله سازش با یکی از ساکنین محل و یا به استعمال هر نوع حيله که باشد صورت گرفته باشد».

در حالیکه مطابق کد جزای ۱۳۹۶ در این حالات فرد به حبس طویل بیش از هفت سال محکوم می گردد. در واقع میزان مجازات سرقت مشدد در کد جزا به لحاظ حداقل و حداکثر کاهش یافته است. به گونه ای که در قانون جزای سابق حداقل مجازات سرقت مشدد پانزده سال و حداکثر آن بیست سال پیش بینی شده بود. اما در کد جزا این مدت به هفت تا پانزده سال کاهش یافته است.

در مورد سرقت مشدد به اعتبار نوع مال مسروقه، ماده ۴۵۸ قانون جزای ۱۳۵۵

و ماده ۷۰۵ کد جزای ۱۳۹۶ بیان داشته است: «شخص که آلات یا وسایلی را که در مواصلات تلفونی یا تلگرافی به کار رفته است سرقت نماید، به حبس متوسط محکوم می‌گردد». قانون جزای ۱۳۵۵ این ماده را چنین مقید نموده است: «مشروط بر این که در این جرم یکی از احوال مشدده مندرج مواد (۴۵۵، ۴۵۶، ۴۵۷) این قانون موجود نباشد». در مواد مذکور شرایط مشدده جرم سرقت به اعتبار عمل مسلحانه و خشونت آمیز بیان شده است. بطور نمونه ماده ۴۵۶ طی دو فقره ذیل چنین بیان نموده است: «۱- شخصی که به اثر اکراه یا تهدید به استعمال اسلحه مرتکب سرقت گردد، به حبس طویل محکوم می‌گردد. که کد جزای ۱۳۵۵ در ماده ۷۰۳ نیز همین حکم را داده است. ۲- اگر در اثر اکراه جرح واقع گردد مرتکب به حبس دوام محکوم می‌گردد. کد جزا در این مورد در بند ۲ همان ماده به حبس دوام درجه ۲ حکم نموده است».

۵. جرایم در حکم سرقت

بعضی از سرقت‌ها هستند که نه سرقت ساده است و نه سرقت مشدد. از این نوع سرقت در قوانین جزایی افغانستان تحت عنوان در حکم سرقت یاد نموده و در ماده ۵۱۸ قانون جزای ۱۳۵۵ چنین بیان می‌دارد: «شخصی که عمداً برق، گاز، آب، پیداوار معادن و یا اشجار جنگلات را بدون استیذان مقامات صلاحیت‌دار تصاحب یا تصرف مالکانه نماید، این عمل وی در حکم سرقت بوده مرتکب علاوه بر رد مال یا قیمت مثل آن به حبسی که از دو سال بیشتر نباشد یا جزای نقدی که از بیست و چهار هزار افغانی تجاوز نکند محکوم می‌گردد». در بند ۲ ماده ۷۰۱ کد جزای ۱۳۹۶ مرتکب عمل در حکم سرقت را به حبس قصیر محکوم نموده است.

نتیجه‌گیری

از دیدگاه حقوقی مراد از سرقت استیلاي شخص بر مال غیر بدون رضایت وی و به قصد تملک است، هرچند که از نظر شرعی می‌توان قید غیر مشروع بودن و مخفی را نیز اضافه نمود. حقوقدانان معتقدند تعریف مشخص برای جرم سرقت امکان‌پذیر



نیست، بلکه با توصیف آن در یک نظام حقوقی تعریف آن بدست می‌آید. زیرا: اولاً تعریف نمی‌تواند شرایط توصیف را بیان کند. ثانیاً معمولاً تعریف‌ها با شرایط زمان و مکان همخوانی نداشته و به مرور زمان مفهوم خود را از دست می‌دهد. ثالثاً جرم سرقت امروزه در حال تکامل است و مرتکبان آن از شگرد های مختلفی استفاده می‌کنند که در صورت ارائه تعریف واحد از سوی قانون‌گذار ممکن است زمینه برای سوء استفاده از آن فراهم گردد. زیرا به تحولات صنعتی و اقتصادی ممکن است برخی از مصادیق سرقت در تعریف قانونی نگنجد.

در نظام حقوقی افغانستان قانون جزای ۱۳۵۵ در مورد جرم سرقت بیان می‌دارد: به مقصد این قانون شخصی که مال منقول و متقوم ملکیت غیر را طور خفیه بگیرد، سارق شمرده می‌شود. و کد جزای ۱۳۹۶ ضمن برداشتن شرط خفیه، قید عدم رضایت مالک و قصد تملک را اضافه نموده این جرم را این گونه تعریف نموده است: سرقت عبارت است از گرفتن مال منقول ملکیت غیر، بدون رضایت به قصد تملک. طبق هردو تعریف موضوع رفتار مجرمانه جرم سرقت مال است و کلمات منقول، متقوم، ملکیت غیر و ... وصف یا خصوصیت موضوع قرار می‌گیرند. از ظاهر کلمه مال چنین به دست می‌آید که مال مسروقه باید در بازار و معاملات تجاری دارای قیمت بوده و ارزش داشته باشد. در حالی که ممکن است مالی در بازار ارزشی نداشته باشد ولی در نزد صاحبش با ارزش‌ترین شیء باشد که این امر در کد جزای ۱۳۹۶ با آوردن قید بدون رضایت در تعریف جرم سرقت حل گردیده است.

معیارهای تعریف جرم سرقت می‌تواند اصول دینی، اخلاقی، اجتماعی و مصلحت و نظم اجتماعی باشد. زیرا هم از نظر ملاک‌های اخلاقی، احکام دینی و هم به لحاظ ضرورت حفظ نظام اجتماعی و نظم و امنیت عمومی، تعرض به مال دیگران جرم شناخته می‌شود. ارکان جرم سرقت شامل: رکن قانونی، رکن مادی مانند رفتار مجرمانه، نتیجه رفتار مجرمانه، مرتکب رفتار مجرمانه، قربانی رفتار مجرمانه و رکن روانی است. و انواع آن شامل: سرقت ساده، سرقت مشدد و در حکم سرقت می‌گردد.

فهرست منابع

۱. ارژنگ، اردوان و عزیزاده، فاطمه، (۱۳۹۶)، «واکاوی حکم سرقت از موقوفه»، مجله مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز، دوره نهم، شماره سوم.
۲. ایزدی فرد، علی اکبر و حسین نژاد، سیدمجتبی، (۱۳۹۴)، «مجازات سرقت پرندگان در فقه امامیه»، فقه و مبانی حقوق اسلامی، سال چهل و هشتم، شماره اول.
۳. حبیب‌زاده، محمدجعفر و شامول، باقر، (۱۳۸۱)، «سرقت مال مشاع»، نامه مفید، شماره بیست و نه.
۴. حبیب‌زاده، محمدجعفر، (۱۳۹۴۹)، سرقت در حقوق کیفری ایران، تهران: دادگستر.
۵. حسینی، سیدمحمد و اعتمادی، امیر، (۱۳۹۳)، «مداخله در اموال مسروقه در حقوق کیفری ایران و انگلستان»، نشریه مطالعات حقوق تطبیقی، دوره ۵، شماره اول.
۶. صادقی، حسین میرمحمد، (۱۳۹۲)، حقوق کیفری اختصاصی (۲) جرائم علیه اموال و مالکیت، تهران: میزان.
۷. صبری، نورمحمد، (۱۳۷۸)، جرم سرقت در حقوق کیفری ایران و اسلام، تهران: ققنوس.
۸. قانون جزای ۱۳۵۵ افغانستان.
۹. قربان حسینی، علی اصغر، (۱۳۷۱)، جرم شناسی و جرم یابی سرقت، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.
۱۰. کد جزای ۱۳۹۶ افغانستان.
۱۱. کلانتری، کیومرث و کلانتری، حسین (۱۳۹۰)، «تحلیل حقوقی- فقهی جرم انگاری شروع به سرقت»، فصلنامه مطالعات فقه و حقوق اسلامی، سال هفتم شماره بیست و پنجم.
۱۲. مرتضایی، سیدجواد، (۱۳۹۳)، «از توارد تا سرقت ادبی»، فنون ادبی (علمی- پژوهشی) دانشگاه اصفهان، سال ششم شماره.